

## دیدگاه ۲

### جعلیات آقای نجیب «روشن»

انسان موجود است متفکر، با درک و احساس، که با داشتن این خصوصیات نسبت به دیگر زنده جان ها تفکیک میگردد. انسان از همان آغاز که پا در کره زمین نهاد به مفهوم انسان بدون نام های چون امریکائی، اروپائی، آسیائی، افریقائی و استرالیائی یاد میشد.

بدون تردید که ظهور جوامع طبقاتی اولین ضربه، به زنده گی ابتدائی اما جمعی انسانی را وارد نمود. با انهم در اثر کار و پیکار نیرو های تحول طلب و مترقی انسان و موقف وی، احترام به کرامت انسانی و حفظ موقف اجتماعی ان دوباره احیا و مورد حمایت قرار گرفت.

در این کوتاه نبشته بالا هدفم از تفکیک خوب و بد توسط انسان ها و انهم انسان های که در قلم و نوشته خود را سرخط قرار میدهند، میباشد.

گذشته از ان ما انسان ها مدت کوتاه و یا زمان قابل ملاحظه را در دامن مکتب سیاسی سپری کردیم که با شهامت و دلیری از حق انسان و انسانیت دفاع مینمود در حرف و عمل و ممثل انسان دارای کلتور و اخلاق عالی اجتماعی بود این مکتب بزرگ همانا خانواده بزرگ دیروز ما (ح.د.خ.ا) میباشد که سپاس و ارج بیکران نثارش باد.

تصمیم نداشتم در مورد تبصره خویش چیزی بنویسم زیرا خود قضاوت را به خواننده گان گذاشته بودم.

اما تبصره غیر عادلانه و خصمانه محترم نجیب روشن من را واداشت تا در مورد جعلیات اش، کوتاه و مختصر بپردازم.

در قدم نخست هر آنکه یک روز صادقانه در رزم و پیکار حزب محبوب ما (ح.د.خ.ا) صادقانه کلمه رفیق را ادا کرده است نزد من همان ارزش و موقف را دارد و باید به آقای نجیب روشن به صراحت بنویسم که ارج، احترام و پیوند رفیقانه دیروز نزد من محفوظ و محترم است.

محترم نجیب روشن از نوشته من در مورد حزب متحد ملی در آغاز به خطا رفته اند و نوشته اند که: (او و حزیش «حزب متحد ملی» ناگذیر از نیروهای خارجی و حضور ایالات متحده امریکا در افغانستان جانبداری میکند)؟!

در تبصره من آمده است که (اما در مقابله با طالبان جز با دارانشان، کدام نیروی داخل کشور میتواندست برزمد؟ اما این مفهوم را ندارد که ما به وجود نیروهای بیگانه موافق هستیم).

نمیدانم که محترم نجیب روشن این اتهام را از روی چه به من و حزب متحد ملی وارد مینماید. محترم نجیب روشن حزب متحد ملی اکنون در جامعه ما مطرح است به مثابه حزب سراسری کشور.

آقای نجیب روشن از فریاد فرزندان صدیق حزب در مورد تجاوزهای بیگانه متأسفانه بی اطلاع مانده اند. به باور من این دیگر خود را فریب دادن است، شخصی که مسؤول و پیشبرنده نشریه به نام (آزادی و بعداً سایت آزادی) و با چنین موضع سیاسی از حوادث سیاسی آنهم در اروپا بیخبر باشد، برای عقل سلیم غیر قابل قبول و حتی سوال برانگیز است.

غرض اکمال معلومات شما باید یاد آور شد که اولین گردهم ائی کمیسیون تفاهم و همبستگی در شهر فرانکفورت آلمان درست هفت سال قبل که نماینده گان اکثریت کشورهای اروپا در آن شرکت داشتند، بعداً موضع حزب متحد ملی در اولین مجمع و دومین مجمع آن مؤخذ سایت مهر اولین و دومین

کنفرانس شورای اروپائی حزب متحد ملی و دهه محفل دیگر و آخرین سند زنده در کشوری که خود بسر میبری، میباشد.

من به مثابه یک هموطن از محترم نجیب روشن ارزو میکنم که اول دقیق مطالعه نموده، بعد از اكمال معلومات دقیق به تحلیل و ارزیابی بپردازد، جعل نگاری آینده مطلوب ندارد. اشتباه و قضاوت عجولانه دیگری که آقای روشن نموده عبارت از نخواندن و یا چشم بستن از سطر اول پایین تر از عنوان تبصره میباشد. من تذکر داده ام که نظر شخصی من است و علاقه وافر من به خاطر اتحاد

یاران روزهای دشوار دیروز که امروز به پارچه ها و شاخه ها مبدل شده اند، میباشد. آقای روشن جهت راحت خاطر شما باید گفت که همه جزایر، سازمانها و احزاب بوجود آمده از بدنه اصلی، همانا یاران روزهای دشوار ما است و به نزد شخص من محترم میباشد و حق تاخت و تاز را در مورد هر یک از این سازمانها به خود نمیدهیم. هدف ما وصل کردن است نه فصل کردن. اعلامیه شورای اروپایی حزب متحد ملی در زمینه صراحت دارد. به نظر من هر آنکه در این شرایط حساس و دشوار به شکلی از اشکال در بین نیروهای ملی، مترقی و دموکرات درز می اندازد و فاصله ها را بیشتر میسازد، جرم بیشتر از تسلیم حاکمیت و تشکیل جبهه با مخالفان دیروز را مرتکب میشود.

از معلومات عالمانه آقای روشن در مورد چگونگی ظهور طالبان ابراز امتنان میکنم و اضافه میکنم که بعد از عودت قطعات نظامی شوروی سابق، انعده از طالب ها و مخالفان که به خاطر اشغال کشور توسط نیروهای بیگانه با دولت می جنگیدند سلاح به زمین گذاشته و به زنده گی عادی خود ادامه دادند. به این مفهوم که بعد از خروج نظامیان شوروی سابق دیگر جهاد نزد آنها مفهوم نداشت. اینکه مخالفین جمهوری دموکراتیک از کجا اكمال، حمایه و تقویت میشد در همان زمان پیشاهنگ سازمان پیشاهنگان نیز میدانست. اینکه محترم نجیب روشن به خاطر تاخت و تاز و جعل بافی تکراراً یادآور شده . . . ، کار خودش است. من را کاری با آن نیست.

آقای نجیب روشن در مورد مبارزه پارلمانی و ادامه مبارزه پارلمانی انگشت انتقاد نهاده و از دهه دموکراسی یادآور شده اند. من باید به آقای روشن خاطر نشان سازم اینکه در جای که ما نیستیم مسلماً مخالفین نیرومند و قوی هستند و در جاییکه ما هستیم به شکلی از اشکال از نیرومند شدن و نیرومند نمودن مخالف ما کاسته میشود. دهه دموکراسی و دست آورد های آن، شرکت (ح.د.خ.ا) در پارلمان آن دهه طلائی دموکراسی از دید خودت، برای من تعجب آور است. در همان پارلمان دهه دموکراسی نیروهای مخالف حزب محبوب ما فراوان وجود داشت، تاریک اندیشان و انانیکه به بهای خون ملت زنده گی می کردند هم وجود داشت و در همان پارلمان دهه دموکراسی رفقا زنده یاد رفیق ببرک کارمل و داکتر راتب زاد مورد لت و کوب بیرحمانه قرار گرفتند و از سوی دیگر پارلمان دهه دموکراسی را شادروان میرغلام محمد غبار در اثر گرانیهای خود «افغانستان در مسیر تاریخ» چنین تشریح میکند: (بعد از سقوط صدارت محمد داؤد خان (در سال ۱۹۶۳) یک دموکراسی از طرف دولت از «بالا» اعلام شد که سران حکومتی انرا «گاهی دموکراسی اسلامی افغانی» و گاهی «دموکراسی تاجدار» میخواندند، و بعضی از منتقدین انرا «دموکراسی قلابی» مینامیدند - هر حال در این ظاهر امر بود و در باطن همان اداره ارستوکراسی قدیم و خودمختاری خانواده سلطنتی باقی ماند.)

به همین ترتیب تاریخ گواه آنست که در مبارزات پارلمانی دیروز علاوه از (ح.د.خ.ا) احزاب دیگری نیز نماینده ها داشتند و تشکیل جبهه داده بر نابسامانی ها و قانون شکنی های دوره دموکراسی و قبل از آن میرزمیدند، در مبارزه تکتیک های آنرا نباید فراموش کرد.

در مورد مقایسه شخصیت ها : آقای روشن من اصلاً این هدف را نداشته و ندارم که این شخصیت را با شخصیت دیگر در مقایسه قرار دهم و اخلاقاً این صلاحیت را نیز ندارم و من از جمله انانی نیستم که به هر کس میتازند و از خود میلانند. محترم روشن بلا کردید و من را در گناه بزرگ سیاسی قرار داده اتهام مقایسه شخصیت بینظیر و رهبر بی بدیل حزب ما را که تاریخ نامشرا به خط زرین با خود خواهد داشت و خاطراتش برای فرد، فرد حزبی های صادق جاودان و ارزش مند است (زنده یاد ببرک کارمل) فرزند صدیق خلق ما، خدمتگار و مبارز نستوه وطن و مردم، مبارز دلیر و محبوب

همه ملت افغان را با رفیق محترم علومی وارد نموده است که چنین دید و هدف را اصلاً من ندارم. موقف و مقام زنده یاد ببرک کارمل نزد من محفوظ و جاودان است و شخصیت هم‌زمان دلیرشان قابل احترام.

آقای روشن باز ناخوانده مهر جعل و اتهام گذاشته است، اگر من قاتلین و جنایتکاران تحریر داشته ام به اساس یادآوری از نوشته رفیق محترم گنجعلی عبدالله میباشد. علاوه بر آن متوجه شدن به اشتباه و عدم تکرار آن قابل عفو خداوند است و نباید فراموش کرد که اگر من و تو امروز به مخالفین خود قاتل و جنایتکار خطاب می کنیم، آنها نیز همین القاب را به ادرس ما بیان میدارند. نمونه مثال آن تلویزیون اریانا مسکین یار به گوینده گی شخص آقای مسکین یار، آقای شکیب و امیری میباشد. این که کی چی کرد؟ با کی و یا کدام استشاره پیوست و از کی برید و با کی در کدام دادگاه و محکمه مورد بازپرس قرار میگیرد مشکل آنهاست. آقای روشن برای من و تو عمده و اساس این است که گیلیم کینه، نفرت، خودخواهی، خود محوری، اتهام و جعل را جمع نموده، مشترکاً در تفاهم و اتفاق نظر، اگر حزب واحد را تشکیل داده نمیتوانیم، جبهه نیرومند متحد سیاسی را ایجاد نماییم و در مورد آینده و مسؤلیتی که از دیروز در برابر ما قرار دارد مشترکاً بیاندیشیم. و اگر واقعاً با انحرافات، کجرویها و سایر نارسایی ها مبارزه می کنیم بجا و سازنده خواهد بود و است که در زیر یک سقف با رفقای دیروز خود نشست و اگر با طرح و روان جاری موافق نیستیم، طرح خود را پیشکش نماییم و بهتر است که آقای روشن در این راستا فعال گردد و رسالت خود را ادا کند.

محترم نجیب روشن، در وارونه جلوه دادن، پیوند بستن، اتهام وارد کردن از درجه عالی برخوردار است، این درجه تنها در مورد رفیق محترم علومی نه بلکه در مورد سایر رفقای گرامی که عمر شیرین شان را در خدمتگذاری به وطن و مردم وقف نموده اند، میباشد. به عقیده من محترم علومی حقایق را کتمان نکرده و آنچه بود به شما بیان داشته است، از اغوا و فریب استفاده ننموده است که این خود صداقتش را در برابر رفقا نشان میدهد و باید یادآور شوم که من مدافع رفیقیکه شکر خداوند حیات دارد، فعال است و در دشوارترین شرایط در داخل کشور مبارزه میکند نیستیم، اما عدم درک دقیق آقای نجیب روشن مایه تعجب من است.

آقای نجیب روشن باز در فکر شور و شوق دیروز و یا جوانی افتاده مینویسد که: «تا حال مردم افغانستان از زبان نورالحق علومی که گویا از روشنفکران نماینده گی میکند و زعامت جنبش روشنفکری درون پارلمان را به ارث برده است، چیزی نشنیده و نه خوانده اند و امثال ان». آقای نجیب روشن از اولین برآمد و مصاحبه تلویزیونی محترم علومی واقعاً خبر ندارد و یا اینکه خودخواهی پیش پیش چشمانش را گرفته، انکار مینماید و علاوه بر آن در تفکیک شرایط دیروز و امروز ناتوان و یا در مغالطه قرار دارد.

به هر ترتیب، اکنون زمان- زمان تفاهم و همبستگی تمام نیروهای روشن، مترقی، دموکرات و وطنپرست است، این خواست، تنها خواست کمیسیون تدارک نه بلکه ضرورت است به خاطر آینده مردم و وطن مان افغانستان.

با در نظر داشت تبصره سرپا خصمانه آقای روشن که بعد از یک سکوت طولانی باری دیگر روی صفحات انترنیتی دیگر سایتها و بلخصوص سایت وزین پندار ظاهر گردیده مسرور گردیدم، آرزو مندم که در آینده با واقع بینی و طرح خود و یا سازمان خود (نهضت آینده افغانستان) وارد میدان گردد و در پهلوی انتقادات خود، نظر و پیشنهاد ارائه نموده واقعاً مصدر خدمت به وطن و التهام دهنده دردهای مردم رنج دیده و بلاکشیده وطن ما گردیده و کمک کننده تحرک بوجود آمده باشد. این است ارزوی وطن و مردم وطن از یک روشنفکر و انسان مترقی.

در مورد انتقاد باید نوشت که تکمیل کننده است به شرط آنکه سالم و سازنده باشد و ما از این نوع انتقادها حمایت میکنیم.

آقای روشن حتماً میدانند که انتقاد نمودن، توهین کردن و حقیر جلوه دادن کاری است ساده اما عملکرد به خاطر رفع همه اینها کاریست نهایت دشوار و عملیست شجاعانه.

چیزی دیگری که باید توجه شمارا به ان معطوف سازم عبارت از این است که: در قضاوت خود پیرامون رویدادها، اشخاص و افراد، بلخصوص رفقا و یاران روزهای دشوار، از شتاب و عجله کار نگیرید، زیرا هریک شخصیت سیاسی و ملی خودرا دارد و از شتاب و عجله استفاده کردن در این موارد کار انسان و بلخصوص انسان های روشن مترقی و دموکرات نیست. آقای نجیب روشن، دوره های احساسات و جوانی گذشت، عمر به آخر رسید، دم را غنیمت شمرده، اگر خیری از ما پوره نیست، کوشش کنیم که شری هم نرسانیم. باری دیگر به صراحت بیان میدارم که برای ما رهبران دیروز و رهبران احزاب و سازمانهای مختلف امروز به استثنای باند ادمکش امین، قابل احترام بوده و دید ما رفیقانه است و مقام و موقف زنده یاد ببرک کارمل محفوظ و جاودان است، من کسی را در مقایسه با این شخصیت بزرگ سیاسی تاریخ کشور قرار نداده ام، اما هراس دارم که خود به این جفا مرتکب نشوید.

صحت و سلامتی به آقای نجیب روشن ارزو میدارم.

**شهاب الدین سرمند**